

محمد یعقوب و احدی

مشاهیر فاریاب جوزجانان

مقدمه

فاریاب که جغرافیة نویسان عرب و خراسانی آنرا باشکال فیریاب، یاریاب و باریاب نیز ضبط کرده اند درش قرن اول اسلامی از شهرهای معروف و فضل خیز افغانستان بحساب میرفت .

برای فهمیدن وضع جغرافیایی و تعیین موقعیت این شهر باستانی نوشته مؤلفان و محققان را بترتیب سال تالیف آثارشان از نظر خوانندگان میگذرانیم :

از نوشته ابن خردادبه، اصطخری و یعقوبی - جغرافیة نگاران قرن سوم - مستفاد میشود که در آن وقت فاریاب جزء ولایت جوزجان بشمار نمیرفته و مستقیماً از شهرهای خراسان محسوب میشده است (۱) فرنگی

قرار نوشته حدود العالم (۳۷۲ هجری) در قرن چهارم شهر فاریاب از مضافات جوزجان شمرده میشده و شهری بوده با نعمت بر شاهراه کاروان (۲)

حکیم ناصر خسرو بلخی شاعر و نویسنده قرن پنجم در سال ۴۳۷ هجری از جوزجانان بشبورغان رفته شب بدیه فاریاب بوده و از آنجا از راه طالقان جوزجان سرورالرود رفته است . (۳)

(۱) مسالك الممالك ابن خردادبه ، صفحه ۲۱۰ و مسالك الممالك اصطخری صفحه ۲۷۰

و البلدان یعقوبی چاپ نجف صفحه ۴۹

(۲) حدود العالم من المشرق الى المغرب طبع تهران صفحه ۶۰

(۳) سفرنامه چاپ برلین صفحه ۳

یاقوت حموی (متوفی ۶۲۶ هجری) می نویسد: «فاریاب شهری نامبردار است در خراسان از اعمال جوزجان ۰۰ (۱)»

حمد الله مستوفی (۷۴۰ هجری) درباره فاریاب می نویسد: «فاریاب از اقلیم چهارم است و توابع جوزجان، شهری کوچک است کمتر از طالقان و ولایتی بسیار میوه فراوان» (۲)

بارتولد شرق شناس روسی که در جغرافیای تاریخی صاحب نظر است موقعیت شهر فاریاب را تعیین کرده می نویسد: «شهر عمده منطقه معمور قیصار و شیرین تکای، فاریاب بود، احتمال کلی می رود که فاریاب در محل شهر کنونی دولت آباد و یا قدری جنوبتر در جایی که حالیه قریه خیر آباد برقرار است واقع بوده» (۳)

لوسترانج یکی دیگر از خاورشناسان که از اکثر منابع جغرافیا استفاده کرده مینویسد: «از جمله شهرهای مهم جوزجان در قرون وسطی فاریاب بود، امروز از آن اسمی در نقشه وجود ندارد و از اوصاف آن که در کتب مسالک ذکر شده چنین برمی آید که خرابه های آن در محلی است امروز آنرا «خیرآباد» میگویند و قلعه کهنه بی در آنجا دیده میشود که تپه های آجری اطراف آنرا گرفته است» (۴)

خلاصه طوریکه روایات طبری نیز تأیید میکنند فاریاب تا اواسط قرن چهارم بلا واسطه بخراسان منسوب بوده و امیرانی غیر از امرای جوزجان داشته و در قریه های پنجم و ششم از شهرهای جوزجان محسوب میشده تا اینکه در اواخر قرن هشتم جوزجان و شهرهای آن که فاریاب نیز در آن شامل بوده جزء ولایت بلخ قرار گرفته است.

امروز بجای شهر باستانی فاریاب، شیرین تگاب و دولت آباد واقع گردیده که اولی از حکومتات محلی حکومت اعلا میمنه و دومی علاقه داری مربوط حکومت شیرین تگاب است و یک منطقه معمور و خرم می باشد.

(۱) معجم البلدان جلد ششم صفحه ۲۸

(۲) نزهة القلوب طبع تهران صفحه ۱۹۲

(۳) جغرافیای تاریخی ایران صفحه ۸۲

(۴) جغرافیای تاریخی سرزمینهای خلافت شرقی طبع تهران صفحه ۴۰۱

ابو عبد الله محمد بن يوسف فارابی :

ابو عبد الله محمد بن واقد بن عثمان ، معروف بغیر یا بی کبیر نیز یل
 قیستاریه (از شهرهای فلسطین) راوی حدیث بود ، مؤلف تذکره الحفاظ او را
 حافظ عابد و ابن حجر عسقلانی ، ثقة فاضل حدیث معرفی میکنند . امام
 احمد حنبل متوفی ۲۴۱ هجری ، خجته ملاقات او سفر کرد اولی در شهر حمص
 از وفات او شنیده بازگشت . امام بخاری ، از او بیست و شش حدیث
 روایت کرده و او را از افاضل اهل زمان شمرده است . از تألیفات فارابی
 کتاب التفسیر ، کتاب الطهارت ، کتاب الصلوة ، کتاب الصیام ، کتاب الزکوة
 و کتاب المناسک را نام برده اند . وی بنا بر قول خودش در سال ۱۲۰ هجری
 متولد شد و بقول ابوزرعہ در ماه ربیع الاول ۲۱۲ هجری وفات یافته است (۱) ؛
 ابواسحاق ابراهیم بن محمد بن یوسف بن ساریج (یا ساریج) الغیریابی :
 از رویان حدیث بود ، از مولدش فازیاب سفر کرده در بیت المقدس
 مسکن گزیده است . سال وفات و خصوصیات دیگر زندگی او بدست نیامد (۲) .
 عبد الرحیم بن حبیب فارابی :

وی نیز از ثقات زوات حدیث و بغدادی الاصل است (۳) .

(۱) الفهرست ابن ندیم ، صفحات ۳۱۹ و ۳۲۰ و تقریب التهذیب ابن حجر ، صفحه
 ۴۷۸ و تهذیب التهذیب ، طبع حیدرآباد ، جلد نهم ، صفحات ۵۳۵ - ۵۳۷ و خلاصه
 تهذیب الکمال ، صفحه ۳۱۲

(۲) تهذیب التهذیب ابن حجر ، جلد اول ، صفحه ۱۶۱ و تقریب التهذیب ، صفحه ۲۷

و میزان الاعتدال فی نقد الرجال ، جلد اول ، صفحه ۲۹

(۳) معجم البلد ان ، جلد ششم ، صفحه ۴۴۸

محمد بن موسی الفاریابی :
 این شخص از مشاهیر علمای شهر فاریاب جوزجان و صاحب سقیان
 ثوزی می باشد (۱).
 ابو عمران موسی الفیر یابی :
 ابو عمران موسی بن احمد بن عفیر بن عیدان بن کثیر فاریابی معروف با بن
 ابی حاتم ، از رجال نامبردار فاریاب می باشد . وی اکثر بلاد شرق و غرب را
 گردش کرده و صحبت معاریف آن شهرها را در یافته ، بالاخره در سمرقند
 مسکن گزیده است (۲).
 ابوبکر جعفر فاریابی :

ابوبکر جعفر بن محمد بن حسن بن المثنی قاضی ، معروف بفریر یا بن صغیر
 از ثقات راویان حدیث بود که در اکثر بلاد جهان سفر کرده بالاخره در بغداد
 متوطن گشته است . وی چندی بامور قضای دینور اشتغال داشته ؛ از مؤلفات
 او کتاب السنن زانام گرفته اند که حاوی پنجاه کتاب بوده است .
 اسمعیل یا شا کتابی دیگر را بنام (فضل الذکر) از او میداند .
 ابوبکر جعفر بسال ۲۰۷ هجری در فاریاب جوزجان متولد شده و در محرم
 سال ۳۱۰ هجری در بغداد وفات یافته و در باب انبار آن شهر مدفون
 گردیده است (۳).

محمد بن جعفر فاریابی :
 اسم کنیه اش ابوالحسن و فرزند ابوبکر جعفر فاریابی می باشد ؛ از او
 روایت حدیث کرده اند . ابوالحسن محمد فاریابی در سال ۲۴۷ هجری تولد
 یافته ، سال وفات وی بدست نیا مد (۴).

-
- (۱) معجم البلدان ، جلد ششم ، صفحه ۴۱۱
 (۲) کتاب الانساب سمعانی ، صفحه ۴۱۷
 (۳) الفهرست ابن ندیم ، صفحه ۳۲۴ و معجم البلدان جلد ششم ، صفحات ۴۱۱ و ۴۱۲
 و هدیه الماروفین ، جلد اول ، صفحه ۲۵۲
 (۴) تاریخ بغداد ، چاپ مصر ، جلد دوم ، صفحه ۴۱

محمد بن عبد الله فيرياني : كتاب تاريخ الفيريابي : مؤرخان قرن چهارم هجری است . كتاب التاريخ الجامع كه واقعات اسلام را تا عهد خلافت عبدالعزيز اموي ، حكایت ميکند و كتاب السبب في علم العرب در نحو از تصانيف اوست . وفات وی بنا بر قول اسمعيل پاشا بروز چهارم رمضان

سال ۲۸۵ هجری در مصر واقع شده ، (۱)

ابوالحسن علي بن جعفر فاريابي : علي بن جعفر بن احمد بن يحيى بن موسى بن اسمعيل بن محمد مكنى به ابو الحسن از روات فاضل حديث است ، از جعفر فاريابي و ابى مسلم الكجى وغيرهم روايت حديث کرده . وی در سال ۲۷۵ هجری در بغداد تولد يافته و در ماه

شعبان ۳۵۱ چشم از جهان پوشيده است . (۲)

ابو جعفر احمد بن رضاء بن سعيد فاريابي : در بغداد روز گار بسر می برد ، از محمد بن عمر واقدي حديث روايت کرده ، تاريخ وفات ويرا حمادي الاخر سال ۲۶۵ هجری دانسته اند . (۳)

ابو عبد الله حسن فاريابي : حسن بن محمد ابو عبد الله فاريابي از روات حديث بوده از سليمان بن داود صيدلاني هردی روايت حديث کرده است . (۴)

ابوالعباس حسن فاريابي : اسم پدری محمد است ، از احمد بن صالح مصري و سفیان بن وكيع و جز

آمان روايت حديث کرده . (۵)

(۱) هدية العارفين ، جلد دوم ، صفحه ۵۵

(۲) تاريخ بغداد ، چاپ مصر ، جلد ۱۱ ، صفحه ۳۷۰

(۳) تاريخ بغداد ، جلد چهارم ، صفحه ۱۵۷

(۴) تاريخ بغداد ، جلد هفتم ، صفحه ۴۱۱

(۵) تاريخ بغداد ، جلد ۷ ، صفحه ۴۱۱